



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
پنج‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵ - ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۶۹۷ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

یادداشت سیاسی

علی‌حسن حیدری

«جان‌فدا» روایت آمادگی یک ملت در متن جنگ

صفحه ۲

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

بازدارندگی و تولید قدرت در ۲۰۰ روز تاب‌آوری ملت مبعوث

صفحه ۲

یادداشت حوادث

حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث

سرمایه میدان نباید فرسوده شود

صفحه ۱۰

تمکین امریکا مقابل انصارالله

پیشروی برق‌آسای نیروهای انصارالله در مناطق غربی و جنوبی یمن و تسلط بر تنگه راهبردی باب‌المندب، رویکرد امریکا را در قبال این جنبش وارد مرحله‌ای تازه کرده است، تاجایی که واشینگتن پس از یک دهه حمایت از سیاست‌های جنگ‌طلبانه عربستان اکنون به دنبال تعامل مستقیم با صنعتاست. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مقامات امریکایی در عمان با رهبران صنادیدار کرده و پیشنهاد داده‌اند در ازای باز ماندن باب‌المندب به روی کشستیرانی بین‌المللی از حمایت هوایی از نیروهای سعودی خودداری کنند، تحولی که نشان می‌دهد واشینگتن ناگزیر نقش فزاینده صنعا در معادلات منطقه‌ای را پذیرفته است | صفحه ۱۱

هم‌زمان با عملیاتی شدن تنوع‌بخشی به سید سوخت مصرفی کشور

گاز به کمک بنزین آمد

● بهمنار قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی |

صفحه ۴

عاقبت‌اندیشی در تنگه‌ها

● غلامرضا صدقیان | سردبیر

بابسته‌ماندن تنگه و محاصره دریایی، ایران بیشتر تحت فشار است یا امریکا (و جهان)؟
برای پاسخ درست می‌توان شواهد زیادی را مشاهده کرد | همین صفحه

همه «جان‌فدا» شدیم

۳۱ میلیون جان‌فدا در هزار گردان با توانایی‌های مختلف دفاعی،

امدادی و عمومی سازماندهی می‌شوند. این را سخنگوی ستاد

مردمی جان‌فدا گفت. ۳۱ میلیون جان‌فدا چیز بسیار مهمی است.

دنیا دارد به آن نگاه می‌کند، حتی تعجب پوتین را برانگیخته بود

و آن را با حرارت برای خبرنگاران بازگو می‌کرد. وقتی دشمن به

مردم حمله می‌کند و به خاک، و به مدرسه و به عروسی، و نقشه

حمله زمینی و کودتای رنگین دارد، کشور جان‌فدا می‌خواهد و

ایران در کمتر از چند هفته پس از فراخوان رهبری ۳۱ میلیون

جان‌فدا پیدا کرد. یعنی اگر بچه‌ها و سالمندان و برخی دیگر از

ناوتوانان را کنار بگذاریم می‌شود اکثریت مردم | صفحه ۳

رئیس سازمان بسیج در دومین رویداد بین‌المللی

«وعده صادق در آیینته هنر»

باید به جنگ ادراکی دشمن پاتک هنری زد

صفحه ۲

شود، به‌ویژه آنکه دقیقاً این نگرانی در حرف‌های ونس منعکس بود بدون آنکه پاسخی به آن بدهد!

خبر دیگر اینکه دیروز وزیر امور خارجه چین به عراقچی گفت: «ما ایران و امریکا را تشویق می‌کنیم که با عقلانیت و خویشتنداری رفتار کنند و از همه طرف‌ها می‌خواهیم اقدامات مؤثری برای بازگشایی تنگه‌هرمز انجام دهند». این حرف چینی‌ها البته با پذیرش طرح امریکایی برای امنیت منطقه یکی نیست، زیرا همان دیروز جلسه‌ی شورای امنیت سازمان ملل درباره‌ی باب‌المندب با مخالفت چین و روسیه پایان یافت که این یعنی چین و روسیه دست‌کم نمی‌خواهند نقشه‌ای را که امریکا برای جهان ترسیم می‌کند امضا و تأیید کنند. از طرفی باید دید چین و روسیه در عمل چه می‌کنند، زیرا بارها گفته شده که استراتژی چین و حتی روسیه «ابهام» است. درباره‌ی چین باید دانست که رفتارش بسیار مهم‌تر از حرف‌های معمول دیپلماتیک است. اگر چین با همین جدیت دنبال بازشدن دو تنگه بود، فرصت سازمان ملل غنیمت بود. ولی قبلاً هم نوشته‌ام که برای چین و روسیه مهم است که با طرح‌های امنیتی امریکا در جهان موافقت نکنند حتی اگر منافع مالی موقت خودشان را در خطر بینند.

خبر دیگر اینکه یعنی‌ها همچنان نفت عربستان را موشک‌باران می‌کنند. دوهه پیش اگر کسی یک خبر جعلی در رسانه‌ها می‌داد که نفت عربستان کاملاً متوقف شده است، اقتصاد دنیا برای چند ساعت هم که بود در شوک می‌رفت. حالا آن خبر جعلی، حقیقی شده است و به‌سادگی نمی‌توان پیامدهای پیچیده‌ی فروپاشی عربستان را پیش‌بینی کرد. اکنون برای پاسخ به پرسش نخستین می‌توان خیلی ساده پرسید که «چه کسی تلاش می‌کند تنگه‌ها باز باشد؟» ایران یا امریکا؟ و بعد چین و روسیه را هم در جایگاه خود تحلیل کرد.

قیمت نفت نیز فرصت مناسبی برای یافتن پاسخ در ست است و نیز این که

ایران چه مدت‌زمان را برای نقشه‌ی بسته‌ماندن تنگه‌ها در نظر گرفته و امریکا به چه مدت‌زمان می‌اندیشد.

پرسش‌های دیگر که پاسخ‌های سریع‌تری را فراهم می‌آورد این است که چه کسی از بازشدن دو تنگه بیشترین منفعت فوری را می‌برد، چه کسی از بسته‌ماندن آنها هنوز می‌تواند هزینه را تحمل کند، و چه کسی می‌تواند از افزایش قیمت نفت به‌عنوان اهرم سیاسی استفاده کند؟ دلالی دارم که آن‌کس که می‌تواند بیشتر تحمل کند و اهرم را در دست خود نگه دارد، ایران است. کار آسانی هم نیست ولی توجه باید کرد که اگر بسته‌ماندن تنگه‌ها آن نتیجه‌ای را که ایران در سر دارد، بدهد، عالی می‌شود و قیمتی بر آن نمی‌توان گذاشت و در مقابل اگر نتیجه ندهد و کار برای ایران سخت‌تر شود، ایران می‌تواند بگوید چیزی را برای از دست‌دادن نداشته است و حتی امید نداشته که اگر تنگه‌ها را باز کند، دشمنان عاقلانه و منصفانه رفتار کنند. این ریسک بزرگ (شاید هم نه‌چندان بزرگ) را هر سیاستمدار عاقلی انجام می‌داد.

ایران اگر بتواند تنگه‌ها را تا زمانی که راهبرش اقتضا می‌کند، بسته نگه دارد، ممکن است «هزینه اقتصادی» هم بدهد زیرا در شرایط محدودیت صادرات نفت نمی‌تواند از افزایش قیمت نفت سود کامل ببرد و از طرفی محاصره دریایی نیز باقی است و شوک روانی اقتصادی در جامعه نیز که همیشه هست و خواهد بود. ولی اگر ایران نتواند تنگه‌ها را تا زمانی که منافعتش تأمین شود، بسته نگه دارد، «هزینه راهبردی» می‌دهد که ممکن است تا چندین دهه گر بیابگیرش باشد. پس یک سیاستمدار عاقل معلوم است که کدام هزینه را ترجیح می‌دهد.

با همین صورت‌بندی امریکا اگر نتواند تنگه را باز کند، هم سود فوری می‌برد و هم سود راهبردی کلان و بعد باافاصله سراغ چین می‌رود! ولی اگر نتواند تنگه‌ها را باز کند، دیگر امریکا نیست و می‌شود اسمش را گذاشت همسایه‌ی شمالی مکزیک یا جنوبی کانادا یا کشوری در غرب

گرینلند! ولی آیا باز کردن تنگه‌ها برای یک ابرقدرت پس از شش ماه ناتوانی، به فرصت دیگری نیاز دارد؟!

امریکا شاید مدعی باشدد نفت زیادی از دو تنگه نمی‌خرد ولی افزایش قیمت جهانی نفت به‌معنای افزایش قیمت بنزین و سوخت، سپس تورم، آنگاه نرخ بهره و کاهش رشد اقتصادی و فشار سیاسی داخلی در امریکا خواهد بود. یعنی این گونه نیست که بسته‌ماندن تنگه‌ها برای امریکا فقط هزینه راهبردی و شکست هژمونیک داشته باشد، همین‌حالا بیشترین نگرانی‌ها در امریکایی‌های پرخور و اهل سفر از قیمت غذا و بنزین است تا مفهوم سیاسی شکست راهبردی. ولی نکته اینجاست که خود این وضعیت اقتصادی و شکستی، مسیر را برای شکست راهبردی امریکا هموار می‌کند. یعنی خیلی نباید دنبال عناوین بود. کاپیتالیسم ضرر را تا حدی تحمل می‌کند و با اینکه معروف است که امریکایی‌ها ریسک‌پذیر هستند، ریسک‌های اینچنینی را هم تا حدی می‌پذیرند.

امریکایی‌ها گفته‌اند که «با حوثی‌ها مذاکره کرده‌ایم و قرار شده است در ازای حمله نکردن ما به یمن اجازه دهند کشتی‌های امریکا عبور کند». اولاً این شاید معنایش آن باشد که باب از نظر حقوقی و سیاسی باز است اما همه می‌دانند که از نظر اقتصادی بسته است! چون همان گونه که بارها گفته شده مسئله در اینجا نگرانی و عدم قطعیت است. وقتی عبور از یک تنگه قطعی نباشد، همه چیز را گران می‌کند. در نانی، اسم مذاکره امریکا با یمن را بگذارید «بزرگ‌ترین شکست راهبردی تاریخ امریکا»! چرا؟ آنگاه کنید به امکانات یمن، به پایای برهنه‌ی آنان، به سال‌ها محاصره دریایی، به حمله قبلی و آتش پس امریکا با همین نیروها! و بسیاری چیزهای دیگر که می‌توان به آن نگر بست. پس امریکا عادت به پذیرش شکست راهبردی و دادن هزینه‌ی راهبردی پیدا کرده است و دور نیست که یک شکست راهبردی دیگر را نیز بپذیرد، هر چند خودش برای آن نام دیگری برگزیند!



کنج ادبیات در کنج کتابخانه‌ها خاک می‌خورد

بررسی نسبت نسل جوان با ادبیات قدیم به انگیزه فرار سیدن روز شعر و ادب فارسی

زهره احمدی:

شعر برای بسیاری از نوجوانان و جوانان فقط یک سؤال امتحانی است

مصطفی سلیمانی:

ادبیات قدیم را ساده‌سازی نکنیم مسیر اتصال را برای نسل جوان ساده کنیم

محمود اکرامی‌فر:

فهم درست ادبیات در نظام آموزشی تست‌محور ممکن نیست

● محبوبه قربانی - نیره ساری | خبرنگاران گروه سبک زندگی | صفحات ۷، ۶، ۵ و ۸